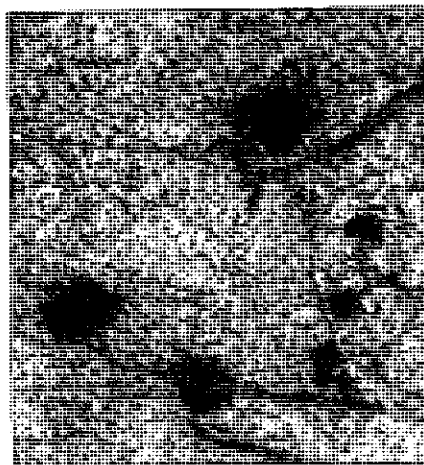


نمایشگاه در راستای همان برنامه‌های آموزشی است؟ سال‌ها در پی آن بوده‌است و می‌خواهد ضمن ار نهادن بر هنر گذشتگان، به آموزگاران و هنرجویان جوان نشان دهد که اگرچه هنر پیشینیان می‌تواند منبر الهام هنرمند امروز باشد اما آفرینش هنر معاصر ب بیان، تکنیک و ابزار و مصالح تازه نیاز دارد و باید ب کاربرد درست و سنجیده این ابزار نیز آشنا شد. در پی همین هدف، نگارخانه ملی انگلستان کاست‌های ویدئویی این نمایشگاه را در اختیار ۴۰۰۰ مؤسس آموزشی و هنرکده قرار داده و از اکتبر امسال در اینترنت نیز به تماشا خواهد گذاشت. سرپرستی این نمایشگاه حمایت مالی آن را مورگان استنلی دین و پتر، که یک مؤسسه مالی و سرمایه‌گذاری است به عهده گرفته است



اصل و بنیان کهکشان راه شیری نشان داده شده، سه تابلوی بسیار بزرگ و عریض و طویل از کهکشان و ستاره‌های آن نقاشی کرده است. در میانه یکی از این تابلوها، یک تلموش فلزی زنگ زده انباشته از بریده‌ها و تکه‌های شکسته شیشه به عنوان نماد سیاه‌چاله‌های فضایی نصب شده است. تلموش ستاره‌ها را به درون خود جذب می‌کند و سرانجام تمامی کائنات را به نابودی می‌کشد. تابلوی مشهور «بشارت تولد مسیح» (۱۳۱۱) اثر دوچو، الهامبخش آنتونی کارو برای ساختن چندین مجسمه مدرن بوده است و تاپیس، «دختر در رودخانه» (۱۶۵۴) اثر رامبراند را دستمایه خود قرار داده است.

هدف نگارخانه ملی انگلستان از برپایی این



انزلم کیفر: کهکشان: ۲۰۰۰-۱۹۹۹

## ۲- افسوس که زندگی را دوست نداشته‌ایم

دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ در عرصه عکاسی آمریکا حضور ملموس داشت. وینوگراند در سال ۱۹۲۸ در نیویورک، دنیا آمد، از بیست سالگی به شکلی حرفه‌یی به عکاس پرداخت و تمام عمر خود را تا روزی که در بهار ۱۹۸۴

زندگی شهری و مردمی که خیابان‌های نیویورک دهه ۱۹۶۰ را پر کرده‌اند اختصاص یافته است. وینوگراند آخرین بازمانده نسلی بود که «عکاسان خیابانی» نام گرفتند. او یکی از عکاسان ارزنده نسل خود بود و در سه

گالری عکاسان لندن در نمایشگاه تابستانی سال ۲۰۰۰، عکس‌هایی از گری وینوگراند، عکاس آمریکایی را دست‌چین کرده و به تماشا گذاشته است. عنوان این نمایشگاه «انسان در جمعیت» است و به تصویرهایی از



گری وینوگراند: دالاس، ۱۹۶۴

بیماری سرطان درگذشت، صرف زندگی کردن با مردم و ثبت لحظه‌های این زندگی کرد.

آن‌چه در این نمایشگاه به تماشا گذاشته شده عکس‌هایی است که وینوگراند آن‌ها را در دهه ۱۹۶۰ گرفته و یادآور عکس‌های دهه ۱۹۳۰ والکر ایوانز و آثار دهه ۱۹۵۰ رابرت فرانک و عکس‌های شهری پال استرنند است اما برخلاف عکس‌های پال استرنند و والکر ایوانز، بخشی از یک پژوهش اجتماعی نیست بلکه سفری شخصی به درون اجتماع است. وینوگراند بی آن که ادعایی داشته باشد، نمادهای واقعیت و پژواک زندگی نسلی را تصویر می‌کند که خود در میانه آن زیسته است. می‌گفت: «من فقط برای آن عکس می‌گیرم که بینم هر چیز چه شکلی دارد.» در روزهای پایانی عمر هم با فروتنی بسیار می‌گفت: «به عکس‌هایی که گرفته‌ام نگاه می‌کنم و از طریق آن‌ها درمی‌یابم که ماکمی هستیم و چه احساسی داریم... و با افسوس می‌بینم که زندگی را دوست نداشته‌ایم. پذیرش این واقعیت سخت دردناک است. شاید من اشتباه کرده‌ام و این جست‌وجوی عکاسانه باید ژرف‌تر و گسترده‌تر ادامه یابد.»

واقعیت آن است که بیشتر انسان‌هایی که در

شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند یکدیگر را نادیده می‌گیرند و در قلب یکدیگر غریبند. شاید از طریق همین بی‌اعتنایی هم هست که زندگی در شهر را تاب می‌آورند. این بی‌اعتنایی و نادیده انگاشتن مردم یکی از تجربیات اولیه زندگی شهری است اما وینوگراند برای خود و هنرش سرنوشتی دیگر رقم زده بود، او وقت خود را به نظاره کردن مردم می‌گذراند و حاصل عمرش هزاران عکسی است که از آنان گرفته است. می‌خواست آن‌چه را دوربین او در یک لحظه از زمان و مکان در شهر نیویورک و خیابان‌های مانهاتن دیده است ثبت کند و به دیگران نشان دهد. عکس‌های وینوگراند از هر دیدگاهی که در آن‌ها نگریسته شود سیاه و سفید است. طنزی است که قلب تماشاگر را نشانه می‌گیرد و به او می‌آموزد تا چگونه نگاه کند و جهانی را که آفریده است بار دیگر در چارچوبی مشخص ببیند. وینوگراند برشی از زندگی انسان‌هایی را ثبت می‌کند که خود را در مرکز جهان و کائنات می‌پندارند اما فقط چهره‌هایی در جمعیت‌اند و به درد پر کردن خیابان‌ها می‌خورند. فضاهایش با روابط و رویدادهایی گاه پیوسته و گاه گسسته پر شده است، شکلی از تاریخ نگاری است و بر این واقعیت انگشت می‌گذارد که زندگی سرشار از لحظاتی است که هر کدام

می‌تواند مضمون یک اثر هنری باشد. روش مدرن عکاسی از عکاس می‌خواهد که در بطن و بستر اجتماع و در میانه رویدادها حضور داشته باشد و حضورش را بتوان در عکس احساس کرد، تنها از این راه است که عکاس می‌تواند «حقیقت» موقعیت را ثبت کند و درام عکس هم از میانه همین حقیقت موقعیت سر برمی‌آورد. ویژگی عکس‌های وینوگراند آن است که هم از بطن اجتماع گرفته شده است و هم محتوای آن‌ها از آگاهی‌های ظاهری فراتر می‌رود. وینوگراند با ترکیب‌بندی فشرده، چندین درام انسانی را در یک تصویر گرد می‌آورد و همین فشردگی، با فی‌البداهگی و پیچیدگی عکس‌هایش دست به دست هم می‌دهند و بیشتر آثارش را به لبه‌های بحران نزدیک می‌کنند. وینوگراند با انس و الفتی که با این شکل از خطر کردن هنری دارد، از دوربین نه تنها به عنوان ابزاری برای ثبت واقعیت سود می‌جوید بلکه از آن برای ترجمه رویدادی ساده به یک زیبایی‌شناسی و تصور تازه نیز استفاده می‌کند، وینوگراند این تصور تازه را «توهم» می‌نامید و چندان هم دریند این نبود که اگر عکس توهم است، پس واقعیت چیست؟ □



گری وینوگراند: پارک مرکزی نیویورک، ۱۹۶۷